

نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی

سید محمدصادق حسینی*
ابراهیم برزگر**

چکیده

نظریه پخش یا «شاعه» یکی از نظریه‌های رایج در باب توضیح چگونگی انتشار پدیده‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست که در حوزه‌های متعدد مطالعاتی مطرح نظر پژوهندگان است. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن بررسی نظریه پخش و مؤلفه‌های مختلف این نظریه، بر اساس این نظریه نشان داده شود که آیا انقلاب اسلامی ایران تأثیری بر عربستان داشته است یا خیر؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ به این سؤال، این تأثیرگذاری به چه میزان و به چه شکل بوده است؟ نتیجه پژوهش حاضر حاکی از آن است که انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی و به ویژه بر شیعیان این کشور، تأثیر قابل توجهی داشته است و نظریه پخش به عنوان چارچوب نظری این تحقیق می‌تواند این تأثیرگذاری را به خوبی نشان دهد.

واژگان کلیدی

نظریه پخش، انقلاب اسلامی ایران، عربستان سعودی، شیعیان.

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در کشور ایران یک اتفاق عظیم و به قول رابین رایت تحلیل‌گر آمریکایی انقلاب کبیر بوده است. (Wright, 2000: 20) این انقلاب با توجه به بعد مذهبی و دینی خود که رنگ و صبغه فرهنگی به آن داده است، بازتاب وسیعی در جهان، به‌ویژه کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیر اسلامی داشته است. بررسی میزان تأثیر انقلاب اسلامی ایران در کشورهای دیگر، همواره یکی از دغدغه‌های مهم

sadegh.hoseynik@yahoo.com

*. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد خوراسگان.

** استاد دانشگاه علامه طباطبایی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۶

اندیشمندان سیاسی بوده است. تأثیر این انقلاب بر کشور عربستان سعودی موضوع این نوشتار می‌باشد. از آنجا که هر نوع بررسی و تحلیل نظری اگر در قالب و چارچوب یک تئوری و نظریه متقن انجام پذیرد فایده‌مندی دراز مدت آن تحلیل را به دنبال خواهد داشت، این نوشتار بر آن است که توانمندی «نظریه پخش» را از باب تطبیق نظریه بر مورد، در تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی مورد آزمون قرار دهد.

سؤال این پژوهش آن است که آیا انقلاب اسلامی در ایران تأثیری بر مسلمانان عربستان داشته است یا خیر؟ و چنانچه پاسخ به این سؤال مثبت است، آیا براساس نظریه پخش می‌توان این تأثیر را نشان داد. فرضیه پژوهش هم این است که اولاً، انقلاب اسلامی ایران بر مسلمانان عربستان اثرگذار بوده است و ثانیاً نظریه پخش، چارچوب نظری مناسبی برای بررسی میزان و نحوه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر مسلمانان عربستان است و به خوبی می‌تواند این مسئله را تبیین کند.

چیستی نظریه پخش

نظریه پخش نخستین بار در سال ۱۹۵۳، توسط «تورستن هاگر استرن» جغرافی‌دان سوئدی و استاد دانشگاه «لاند» مطرح شد. او برای اولین بار، با کمک همکاران خود موفق به بررسی و ارائه نظریه پخش در زمینه گسترش نوآوری‌ها و پدیده‌های کشاورزی شد و نتایج و اصول مربوط به این نظریه را به طور قطعی در سال ۱۹۶۸ بیان ساخت.

نتایج مطالعات هاگر استرن در کشورهای اروپایی و به‌ویژه آمریکا، نظر بسیاری از جغرافی‌دانان و اندیشمندان را به خود معطوف داشت و این نظریه برای تبیین چرایی رخداد گسترش پدیده‌ها در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف به کار گرفته شد. (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۱ و ۱۱۲)

نظریه پخش در واقع به تبیین و تشریح کیفیت و چگونگی گسترش یک پدیده یا نوآوری در طول زمان و در گستره یک فضای جغرافیایی می‌پردازد تا از این طریق، علل و دلایل پخش و گسترش یک رویداد یا پدیده را از منطقه‌ای به مناطق دیگر کشف کند. اصول و قواعدی که هاگر استرن در نظریه خود بیان ساخت، در مورد تبیین علت پخش بسیاری از موضوعات و رویدادها مورد استفاده قرار گرفت. کاربرد این تئوری در باب مسائل و موضوعات مختلف ضمن بیان دلایل آن، توانست رویکردی برای جلوگیری و ممانعت از انتشار و گسترش رویدادها ارائه دهد. (Palloni, 2007)

این نظریه در بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی، پزشکی، اقتصادی و فرهنگی چون گسترش محبوبیت یک نماینده انتخاباتی در بین مردم، چگونگی پخش انواع مد لباس و رفتار در مکان‌های شهری و روستایی، دلایل گسترش یک نوع موسیقی و ترانه در بین مردم، پخش بیماری‌های واگیر در بین چندین کشور و ناحیه و گسترش استفاده از تلویزیون رنگی از شهرهای بزرگ به مناطق روستایی به کار گرفته شده است. (Ibid: 8 & 9)

اصول و مؤلفه‌های نظریه پخش

از دیدگاه استراند از شش اصل به عنوان اصول و مؤلفه‌های اساسی این نظریه می‌توان نام برد:

۱. حوزه و محیط اولیه پدیده: اولین عامل، حوزه و محیطی است که در آن پدیده پخش ایجاد می‌شود. این محیط به لحاظ طبیعی یا محیطی، انسانی یا اجتماعی دارای خصوصیات خاصی است.
۲. زمان پخش: دومین عامل، زمان است. یک پدیده در طول زمان به مناطق دیگر گسترش می‌یابد. زمان می‌تواند روزها و سال‌ها و به صورت دوره‌های جدا از هم باشد.
۳. موضوع یا پدیده پخش: عامل سوم در نظریه پخش به موضوع و پدیده باز می‌گردد. مسئله و رویدادی که از یک حوزه به دیگر مناطق نشر می‌یابد، می‌تواند نوآوری‌های فنی و علمی، یافته‌های جدید کشاورزی و تولیدی، پدیده‌های اجتماعی چون رفتار، گویش و مد لباس و امراض و بیماری‌های واگیر و یا فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی نظیر انقلاب‌ها باشد.
۴. مبدأ پخش: پدیده‌هایی چون نوآوری و امراض از مکان‌های خاص و مبدأ خاصی به دیگر حوزه‌های جغرافیایی انتشار می‌یابند. مبدأ پخش دارای خصوصیات و شرایط خاصی برای ایجاد و تشکیل پدیده هستند که به دلیل مقبولیت مردمی به دیگر مناطق گسترش می‌یابد.
۵. مقصد پخش: حوزه‌ها و مکان‌هایی که موضوع و پدیده پخش در طول زمان در آن گسترش یافته و بین مردم این مناطق پخش می‌شود.
۶. مسیر حرکت پدیده: موضوع پخش در مسیرهای خاصی جریان می‌یابد و این مسیرها به دلیل داشتن شرایط خاص، پدیده پخش را به مقصد می‌رسانند. (برزگر، ۱۳۸۱: ۳۱؛ Palloni, 2007)

عربستان سعودی و جایگاه آن در جهان اسلام

عربستان سعودی با ۲۱۴۹ میلیون کیلومتر مساحت، بزرگ‌ترین کشور غرب آسیا و دومین کشور بزرگ عرب‌نشین (از نظر مساحت) پس از الجزایر است. این کشور بیش از ۲۷ میلیون جمعیت دارد که فقط ۱۶ میلیون آنها شهروند این کشور و بقیه از اتباع خارجی هستند. عربستان سعودی از بعد اقتصادی شدیداً وابسته به نفت است. این کشور از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت دنیا است. صادرات نفت خام تقریباً ۹۵ - ۹۰ درصد درآمدهای صادراتی و ۸۰ - ۷۰ درصد درآمد دولت عربستان سعودی را تشکیل می‌دهد. علی‌رغم این درآمدهای سرشار نفتی، عربستان با چالش‌های جدی اقتصادی روبه‌رو است. نرخ بالای بیکاری (نزدیک ۱۳ درصد از اتباع این کشور)، رشد بالای جمعیت و نیاز شدید به افزایش مخارج دولت از جمله این مشکلات به حساب می‌آید. (Lehr Wagner, 2008, 18)

از بعد اجتماعی و فرهنگی باید به این مسئله اشاره کرد که جامعه عربستان همچنان بر پایه روابط قبیله‌ای استوار است. در این کشور وجود تعصب و علقه‌های نیرومند قبیله‌ای به علاوه علایق مذهبی،

شکل‌دهنده کلی فرهنگ جامعه می‌باشد. این ساختار جامعه عربستان، مانع از به وجود آمدن فرهنگ یگانه شده است. (عظیمی، ۱۳۷۴: ۳۷) در این کشور شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی عدیده‌ای وجود دارد که مهم‌ترین آن شکاف بین زنان و مردان است. در این کشور زنان از بسیاری از حقوق فرهنگی و اجتماعی محرومند و در جایگاه بسیار پایین‌تری از مردان قرار دارند. (Bradley, 2005: 29) در این کشور چهار ملیت و قبیله با سنت‌های متفاوت حضور دارند که عبارتند از:

۱. نجدی‌ها که در مرکز عربستان قرار دارند و خاندان سعودی هم از همین منطقه هستند.
۲. حجازی‌ها که اهالی شهرهای مکه، مدینه و جده را شامل می‌شوند. به اعتقاد خاندان آل سعود حجازی‌ها به لحاظ اینکه بازمانده‌های زواریه عتبات عالیات هستند، شایستگی پذیرش مسئولیت‌های دولتی را ندارند و به همین علت کمتر در ارگان دولتی صاحب مقام و منصب هستند.
۳. شیعیان که بیشتر در مناطق شرقی و مراکز تولید و صدور نفت مثل قطیف سکونت دارند. این گروه [به رغم اینکه در اقلیت هستند] همیشه خطری جدی برای حکومت سعودی بوده‌اند.
۴. آسوری‌ها که اقلیتی ناچیز را تشکیل می‌دهند و بیشتر در حوالی مرز یمن و در منطقه کوهستانی جنوب غربی سکونت دارند. (آقایی، ۱۳۶۸: ۶۸)

در بعد سیاسی، عربستان را باید دارای یک سیستم سیاسی کاملاً بسته دانست. قدرت سیاسی در این کشور در دست یک گروه کوچک از نخبگان سیاسی قرار دارد و انتقال قدرت به شیوه‌ای کاملاً غیر دموکراتیک صورت می‌گیرد. در این کشور، شهروندان از تمامی حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی محرومند و قدرت سیاسی و منافع حاصل از آن به گونه‌ای به شدت نابرابر تقسیم گشته است. به عبارت دیگر، گروه بسیار کوچک نخبگان سیاسی حاکم تمامی قدرت سیاسی کشور را به خود اختصاص داده‌اند و شهروندان هیچ بهره‌ای از آن ندارند.

در این کشور قدرت سیاسی در اختیار قبیله آل سعود و قدرت مذهبی در اختیار آل وهاب است. اشخاص خارج از خاندان آل سعود اجازه دریافت مناصب حکومتی را ندارند. در عین حال هر نوع مخالفت با نظام سیاسی حاکم ممنوع بوده و به شدت از سوی رژیم سرکوب می‌گردد. مطبوعات در این کشور به طور کامل زیر نظر دولت است و آنان در حقیقت، بازگوکننده خط فکری و سیاست حاکم بر کشور هستند و خط مشی دولت را تبلیغ می‌کنند. (Bradley, 2005: 25) شیعیان در این کشور از کلیه حقوق سیاسی، مدنی و اقتصادی محروم هستند. به عنوان نمونه، علی‌رغم اینکه منطقه شرقی (محل زندگی اکثریت شیعیان عربستان) بر روی یکی از عظیم‌ترین ذخایر نفتی جهان قرار دارد اما وضع زندگی شیعیان ساکن آنجا با وضع زندگی سایر ساکنان و قبایل عربستان قابل مقایسه نیست. گراهام فولر در این زمینه می‌نویسد:

ایالت شرقی با داشتن گنجینه‌ای از منابع طبیعی، یکی از فقیرترین مناطق عربستان سعودی است. دولت

در مقایسه با دیگر مناطق عربستان سعودی هزینه بسیار اندکی را به پروژه‌های ساختمانی، جاده‌ها، بهداشت و تعلیم و تربیت در منطقه شرقی اختصاص داده است. (فولر و رندرحیم، ۱۳۸۴: ۳۵۶)

شرایط اقتصادی، فرهنگی، و به‌ویژه سیاسی موجود در عربستان باعث شده است که کشور عربستان تبدیل به یک کشور مستعد تغییر گردد.

نکته دیگری که حایز اهمیت است آنکه عربستان سعودی به چند دلیل همواره از جایگاه ویژه و پراهمیتی در جهان اسلام بهره‌مند بوده است. ظهور دین مبین اسلام در شبه جزیره عربستان و قرار داشتن مقدس‌ترین اماکن مذهبی مسلمانان، از جمله بیت‌الله الحرام در مکه و مرقده مطهر حضرت محمد ﷺ در مدینه، جایگاه برجسته‌ای به عربستان در میان کشورهای اسلامی داده است. این کشور می‌تواند از این بزرگترین عامل ژئوپلیتیکی به عنوان یک منبع تمام نشدنی تبلیغی به هر شکل بخواهد بهره‌برداری کند. (عزتی، ۱۳۷۸: ۹۷)

یکی دیگر از عواملی که به عربستان جایگاه ویژه‌ای بخشیده است، بهره‌مندی این کشور از منابع عظیم نفت می‌باشد. ذخایر ثابت شده نفت عربستان سعودی حدود ۲۶۲ میلیارد بشکه (بیش از یک چهارم ذخایر کل جهان) و تولید نفت این کشور در سال ۲۰۱۱، ۸۸۰۰۰۰۰ بشکه در روز (۱۰۰۶ تولید نفت جهان) بوده است. (IEA, 2000: 1) وجود این ذخایر عظیم نفتی و درآمدهای کلان حاصل از آن و همچنین درآمد حاصل از مراسم حج عمره، امکانات اقتصادی گسترده‌ای در اختیار رژیم عربستان قرار داده است. علاوه بر دو عامل مذکور، این کشور به لحاظ موقعیت جغرافیایی خود و نیز قدرت و نفوذش در سایر کشورهای عرب همواره مورد توجه کشورهای دیگر قرار داشته است. (آشتی، ۱۳۶۶: ۱۱ - ۷)

آشنایی مختصر با شرایط اقتصادی، فرهنگی و به‌ویژه سیاسی موجود در عربستان که این کشور را به یک کشور مستعد تغییر تبدیل کرده و نیز جایگاه پراهمیت عربستان و نفوذ سیاسی، اقتصادی و مذهبی گسترده این کشور بر کشورهای منطقه و جهان اسلام، مبنای اهمیت چرایی پرداختن به موضوع تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر عربستان است. در ادامه تلاش خواهد شد با به‌کارگیری نظریه پخش، این مسئله تبیین گردد که آیا وقوع انقلاب اسلامی در ایران تأثیری بر عربستان سعودی به عنوان یک کشور محوری در جهان اسلام داشته است یا خیر؟ و چنانچه پاسخ به این سؤال مثبت است، این تأثیرگذاری به چه میزان و به چه نحو بوده است. برای انجام این مهم، عوامل و مؤلفه‌های نظریه پخش که به آنها اشاره شد یک‌به‌یک مطرح شده و بر اساس آن، تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

عوامل نظریه پخش و تأثیر انقلاب اسلامی بر عربستان سعودی

۱. مبدأ پخش نوآوری فرهنگی و سیاسی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷، ایران و انقلاب اسلامی ایران با شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه‌جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های

آزادی‌بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب شیعه و شروع تفکر ام‌القری بودن ایران برای جهان اسلام، کانون پخش و تراوش در منطقه شد و چنان تأثیرات قوی در منطقه داشت که کسانی هم که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند تحت تأثیر آن قرار گرفتند. (نجاتی، ۱۳۹۰: ۱ و ۲)

این تأثیرگذاری ناشی از قدرت سلبی یا نفی‌کنندگی انقلاب و گسترش این باور بود که «آیت‌الله» باید درست عمل کرده باشد که توانسته است شاه را با تمام قدرتش و حمایت آمریکا، سرنگون کند. از نظر آنان، امام خمینی رضی‌الله‌تعالی‌عنه به دلیل موفقیتش یک الگوی اجتناب‌ناپذیر ایدئولوژی و انقلاب است. (فولر، ۱۳۷۳: ۱۰۰ - ۹۳) در واقع، انقلاب اسلامی ایران از همان ابتدای شکل‌گیری خود اهداف، آرمان‌ها و شعارهایی جهانی داشت و به همین دلیل نیز بود که از همان آغاز شکل‌گیری و پیروزی این انقلاب دشمنی‌ها در سطح منطقه‌ای و جهانی با آن شروع شد.

۲. مقصد پخش

در نگاه کلی ۵۷ کشور اسلامی و حتی کشورهای تحت ستم غیراسلامی و در حوزه محدودتر، ۲۰ کشور عربی خاورمیانه و به طور خاص که مطالعه موردی ما در این پژوهش می‌باشد، کشور عربستان سعودی مقصد پخش انقلاب اسلامی به حساب می‌آید.

در ارتباط با مقصد و محیط پخش توجه به پذیرا یا ناپذیرا بودن محیط مهم است. منظور از محیط پذیرا، تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است. منظور از محیط ناپذیرا، محیطی است که به دلیل اختلافات و تفاوت‌های عمده با مبدأ پخش، امکان تأثیرپذیری اندکی از مبدأ پخش دارد. این تفاوت‌ها و اختلافات ممکن است تفاوت‌ها و اختلافات مذهبی، زبانی، نژادی و فرهنگی باشد. در مقابل، محیط پذیرا دارای ویژگی‌ها و شرایطی است که با ویژگی‌ها و شرایط مبدأ پخش بسیار شباهت دارد و از این رو، این ظرفیت را دارد که در صورت فراهم شدن شرایط مساعد، از مبدأ پخش تأثیرات عمیقی بپذیرد. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و همگرایی و عوامل ناپذیرا موجب عدم تأثیرپذیری از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شود. (برزگر، ۱۳۸۱: ۳۹)

در ارتباط با عربستان سعودی به عنوان مقصد پخش انقلاب اسلامی ایران می‌توان گفت این کشور ترکیبی از یک محیط پذیرا و ناپذیرا است.

از آنجا که بافت مذهبی عربستان مبتنی بر اکثریت سنی و اقلیت شیعه می‌باشد و از سوی دیگر مذهب حکومتی عربستان نیز وهابیت بوده که بیشترین تعارض را با تشیع دارد، لذا می‌توان گفت محیط عربستان از این حیث یک محیط ناپذیرا، خصوصاً در حوزه دولت و حکومت است؛ اما در عرصه توده مردم با توجه به اکثریت سنی و اقلیت شیعه، در حوزه شیعی محیط از درصد پذیرش بالایی برخوردار است که شواهد آن بیان خواهد شد. اهل سنت نیز با جرح و تعدیل‌هایی و در سطح بعضی از گرایش‌ها و جناح‌ها محیط پذیرا بوده است. قیام

«جهیمان العتیبی» در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ و تصرف مسجدالحرام توسط وی و حامیانش از نمونه‌های آن است. اشغال مسجد مقدس در سال ۱۹۷۹ میلادی مشروعیت حاکمیت سعودی را به چالش کشاند، حاکمانی که عمدتاً حاکمیت خود را به وسیله تعهدشان به ارزش‌های وهابیت و خدمت به حرمین شریفین توجیه می‌کردند. شورش جهیمان اولین نشانه شکاف در ساختار مذهبی بود. خطرناک‌ترین وجه جنبش جهیمان آن بود که از ادبیات انقلاب اسلامی ایران برای محکوم ساختن رژیم مذهبی سعودی استفاده کردند. (ابراهیم، ۱۳۸۷: ۱۴۳) از سوی دیگر، نارضایتی‌هایی که از نظام سیاسی بسته و غیر دموکراتیک عربستان، هم در میان شیعیان و هم در میان اهل سنت وجود داشته است، این کشور را آماده تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی در ایران ساخته است.

۳. مسیرهای پخش

همان‌گونه که اشاره شد منظور از مسیرهای پخش، مجاری‌ای است که از طریق آنها امکان سرایت یک پدیده از مبدأ پخش به مقصد پخش فراهم می‌گردد. در بحث مسیرهای پخش، حداقلی از افراد لازمند که رفتاری را انجام دهند تا پس از آن، جریان اشاعه، خود به خود مانند توده برفی که به بهمن تبدیل می‌شود ادامه یابد. (رفیع پور، ۱۳۷۶: ۸۸)

همچنین نهادها و مجاری دیگری نیز لازم است که کار پخش را صورت دهند. بنابراین ابزارها، افراد و نهادهایی به طور طبیعی و یا ارادی در این رابطه عامل شیوع اندیشه‌ها واقع شده‌اند. (مختار زاده، ۱۳۸۱: ۹۶ - ۹۴) در ارتباط با مسیرهای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. راهپیمایی برائت از مشرکان در مراسم حج و پیام‌های امام خمینی رضی الله عنه به این منظور. حاجی‌های ایرانی به دلیل داشتن شور انقلابی معمولاً راهپیمایی‌هایی علاوه بر مراسم مذهبی برگزار می‌کردند که حجاج غیر ایرانی نیز بعضاً در این مراسم شرکت می‌کردند و در عین حال اعلامیه‌هایی نیز پخش می‌کردند. (نجاتی، ۱۳۹۰: ۱ و ۲)

۲. راه اندازی دفتر جبهه آزادی‌بخش شبه جزیره عربستان در تهران. (پیشین)

۳. انتقاد مقامات جمهوری اسلامی از رهبران سعودی و روش کلی آنها در قبال مسائل منطقه و جهان اسلام و ارتباط نزدیک با آمریکا. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۳: ۳۵)

۴. اجازه ورود به اتباع شیعه عربستان به ایران به منظور تحصیل در حوزه علمیه قم بدون اینکه پاسپورت آنها ممه‌ور به مهر ورود به ایران شود. (حسینی، ۱۳۶۵)

۵. در اختیار گذاردن بخش عربی صدای تهران به جنبش طلایه‌داران رسالت. (MVM) بخش عربی صدای تهران که در اختیار این گروه بود ساعت‌ها برنامه برای بخش‌های مختلف عربستان و به‌ویژه استان شرقی عربستان پخش می‌کرد. این رادیو از شیعیان می‌خواست تا به اعتراضات خود علیه رژیم سعودی ادامه دهند. (ابراهیم، ۱۳۸۷: ۱۶۲)

۶. مراسم‌های سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دعوت از میهمانان خارجی.

۷. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۸. صدور فتوای امام خمینی علیه السلام علیه سلمان رشدی مرتد. امام خمینی علیه السلام با این ابتکار عمل در حقیقت موجب تحقیر عربستان سعودی که خود را بزرگ امت اسلامی می‌دانست شد. از سوی دیگر این فتوا که در مسیر حمایت از تمامیت کیان اسلام و نه فقط مذهب تشیع بود، شمولیت و فراگیری پیام انقلاب اسلامی ایران برای تمام جهان اسلام را نشان داد. (همان: ۱۶۳)

۹. مساجد و حسینیه‌ها: تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، مساجد شیعیان و حسینیه‌های عربستان دارای نقش سیاسی نبودند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در ۱۳۵۷، نقش آنها به شکل عمده‌ای تغییر یافت و به محلی برای فعالیت‌های سیاسی - مذهبی تبدیل شدند. (همان: ۱۵۸)

۱۰. سخنرانی‌های علمای شیعی از جمله «حسن الصفار» عالم شیعی و «شیخ فوزی السیف»: فؤاد ابراهیم در این زمینه می‌نویسد:

در خلال برگزاری مراسم عاشورا، حسینیه‌ها به مراکز تجمع شیعیان مبدل شد که در آنها با سخنان پرشور شیخ حسن الصفار و سایر وعاظ وابسته به جنبش طلابه‌داران رسالت مانند شیخ فوزی السیف تظاهرات مردمی برپا می‌شد. (همان: ۱۰۸)

۱۱. پذیرش دیدگاه شیعه در باب نفی حکومت ظالمانه از سوی گروه‌هایی از اهل سنت: در واقع امروزه جنبش‌های اسلام‌گرای سنی با معکوس‌سازی نقش دین، عملاً به پذیرش دیدگاهی «شیعی‌تر» در باب حکومت ظالمانه سوق یافته‌اند. یعنی این اصل را پذیرفته‌اند که در اسلام نه تنها نمی‌توان حکومت ظالمانه را با عنوان «بهتر از هرج و مرج» مجاز شمرد بلکه بی‌تردید بر مؤمنان واجب است که در مقابل آن مقاومت کنند. (فولر، ۱۳۸۴: ۱۰۸) امروزه تجلی این دیدگاه را می‌توان در قیام‌های کشورهای عربی با اکثریت جمعیت سنی علیه حاکمان آنها مشاهده نمود.

۴. زمان پخش

تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی به طور کلی و بر عربستان سعودی به طور خاص، از همان زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی آغاز گردید. در واقع می‌توان گفت تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران با تولد خود انقلاب متولد شد. از سوی دیگر باید به این نکته نیز اشاره نمود که پخش و سرایت یک پدیده، از مبدأ پخش به مقصد پخش ممکن است مدت‌ها به طول بینجامد. انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تأثیرگذاری آن بر کشورهای اسلامی یک امر پایدار و دائمی بوده است.

به عبارت دیگر، این تأثیرگذاری از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان حاضر ادامه داشته است. البته علی‌رغم تأثیر مداوم انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی این تأثیرگذاری دارای فراز و نشیب بوده است. به

این معنا که با سرعت و قدرت یکسانی اثرگذار نبوده است.

به همین دلیل تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر عربستان از زمان وقوع انقلاب اسلامی تاکنون را می‌توان به چند دوره زمانی تقسیم کرد.

دوره نخست: از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا آغاز جنگ تحمیلی

در این دوره، قدرت و سرعت پخش انقلاب اسلامی در عربستان بالاست، لذا شاهد رخ دادن وقایعی هستیم که اثرگذاری انقلاب اسلامی را به خوبی نشان می‌دهند:

شورش جهیمان العتیبی و اشغال مسجدالحرام در ۲۰ نوامبر ۱۳۵۷. (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۲۵۵)

قیام شیعیان منطقه الشرقیه در سال ۱۹۷۹. (همان: ۲۵۶)

دوره دوم: آغاز جنگ تحمیلی تا پذیرش قطعنامه و پایان جنگ

جنگ تحمیلی تا حد زیادی توانست به تبلیغات عربی - عجمی و شیعی - سنی حاکمان سعودی کمک کند و این تبلیغات گسترده جلوی نفوذ پیام‌های انقلاب اسلامی را تا مقدار فراوانی گرفت. در این دوره شاهد کاهش قدرت و سرعت تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر عربستان نسبت به دوره نخست هستیم.

دوره سوم: از پایان جنگ تحمیلی تا صدور فتوای امام علیہ سلیمان رشدی

درحالی‌که جنگ پایان یافته بود و دولت عربستان می‌توانست به خوبی از وضعیت موجود بهره‌برداری کند صدور فتوای ارتداد سلیمان رشدی از سوی امام خمینی علیه السلام بار دیگر رهبری امام بر جهان اسلام را ثابت کرد و باعث تحقیر هر چه بیشتر دولتمردان سعودی به عنوان مدعیان رهبری جهان اسلام گردید و موجب شد تا بار دیگر پیام‌های انقلاب اسلامی در کانون توجهات مسلمانان و خصوصاً شیعیان قرار گیرد.

دوره چهارم: دوران سازندگی و اصلاحات

اگرچه سیاست کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بحث صدور انقلاب و حمایت از اهداف آرمانی و بلند انقلاب اسلامی همچون نفی ظلم و سلطه‌پذیری و حمایت از مسلمانان و مظلومان همواره در کلیت و رهبری نظام دنبال شده است، اما دولت‌های مختلفی که درون این نظام بر سر کار آمده‌اند هرکدام تفاوت‌های خاص خودشان را در پیگیری این اهداف داشته‌اند؛ تا جایی که در رابطه با بعضی از آنها حس عدول از اهداف انقلاب در بحث صدور انقلاب و تأثیرگذاری بر سایر کشورهای اسلامی در مخاطب ایجاد شده است. در واقع، بعد از رحلت امام خمینی علیه السلام تاکنون شاهد روی کار آمدن دولت‌های متعددی بوده‌ایم که منحنی عملکرد آنها در ارتباط با پیگیری اهداف اسلامی (و از جمله در زمینه صدور انقلاب) می‌تواند تابلویی از فراز و فرود منحنی تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای دیگر باشد.

در دولت‌های آقایان هاشمی رفسنجانی و خاتمی (۱۳۸۴ - ۱۳۶۷)، دولتمردان ایران در بیانات خود هرچه بیشتر به تنش‌زدایی روابط ایران و شیوخ منطقه [خلیج فارس] خصوصاً عربستان پرداختند و عمدتاً تأکید

کردند که سیاست صدور انقلاب به معنای مداخله در کشورهای دیگر نیست و خود را از این دخالت تبرئه کردند. (اخوان کاظمی، ۱۳۷۳: ۴۳)

با روی کار آمدن آقای هاشمی رفسنجانی و مطرح شدن سیاست تنش‌زدایی و حتی مطرح کردن اینکه فتوای امام، فتوای یک مرجع دینی بوده و سیاست کلی نظام ایران نیست و دولت ایران کسی را برای اجرای فتوای امام اعزام نخواهد کرد، ارتباطات گسترده با خاندان سعودی برقرار گردید و موجب تلطیف روابط و سفر امیرعبدالله به ایران در مقام ولیعهدی برای شرکت در اجلاس سران کشورهای اسلامی در سال ۱۳۷۶ و روی کار آمدن دولتمردانی شد که قضیه فلسطین را قضیه اصلی و مورد اهتمام جمهوری اسلامی نمی‌دانستند. (نوری، ۱۳۷۸: ۱۵۲ - ۱۴۳) در نتیجه شاهد پایین آمدن متحنی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای منطقه هستیم. به‌طور کلی در این دوره شاهد کاهش سرعت و قدرت تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر عربستان هستیم.

دوره پنجم: دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد

با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، وی تلاش کرد بار دیگر به مسئله صدور انقلاب جان تازه‌ای ببخشد و رژیم‌های محافظه‌کار منطقه را به چالش کشیده و مشروعیت آنها را زیر سؤال ببرد. از جمله اقدامات وی در این رابطه می‌توان به پیام وی به امیرعبدالله و انتقاد از موضع سؤال‌برانگیز وی در رابطه با حمله رژیم صهیونیستی [اسرائیل] به غزه، سخنانی‌های سالیانه وی در سازمان ملل، شعار نفی اسرائیل و نفی سلطه‌پذیری و حمایت دولت وی از سقوط دولت‌های وابسته به غرب همچون مصر، تونس، و ... و قیام شیعیان بحرین اشاره کرد. با توجه به این مسائل می‌توان گفت که در این دوره شدت و سرعت تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر مسلمانان عربستان سعودی و به‌ویژه شیعیان این کشور نسبت به دوره قبل افزایش یافت.

۵. موانع پخش

منظور از موانع پخش، آن دسته از عوامل هستند که مانع از سرایت یک پدیده از مبدأ پخش به مقصد پخش می‌شوند و یا آنکه سرایت آن پدیده را با مشکل مواجه می‌سازند. با توجه به اینکه محیط عربستان سعودی و شکل حکومت آن از جهات گوناگون در برابر پیام‌های انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک محیط ناپذیرا (به استثنای شیعیان که از نظر اجتماعی در اقلیت به سر برده و در عرصه حکومت نیز هیچ جایگاهی ندارند) عمل کرده‌اند، در بحث تئوریزه کردن تأثیر انقلاب اسلامی بر عربستان در قالب تئوری پخش، مهم‌ترین مسئله بررسی موانع پخش می‌باشد. به نظر نویسندگان بررسی اینکه پیام‌های انقلاب اسلامی ایران در مسیر نفوذ به محیط عربستان با چه موانعی روبه‌رو بوده و هست، مهم‌ترین بخش این پژوهش را تشکیل می‌دهد که در ادامه به اهم آنها پرداخته می‌شود.

۱. یکی از مهم‌ترین موانع پخش، شکاف عربی - عجمی (فارسی - عربی) و شکاف سنی - شیعی بوده است. بنابراین، پان عربیسم یا عرب‌گرایی و اهل سنت‌گرایی همچون سدهای محکمی در برابر نفوذ پیام

انقلاب اسلامی ایران عمل کرده‌اند. البته در میان اهل سنت روشنفکرانی هم بوده‌اند که صرف شیعی بودن انقلاب اسلامی ایران برای آنها به عنوان یک مانع پذیرش پیام‌های این انقلاب عمل نکرده است. از جمله این افراد می‌توان به «فتحی شقاقی» رهبر فقید سازمان جهاد اسلامی فلسطین اشاره نمود که انقلاب اسلامی را یک انقلاب اسلامی سنی - شیعی معرفی می‌کرد. (شقاقی، ۱۳۷۵: ۷ و ۸) سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب (IRO) نیز انقلاب اسلامی ایران را انقلاب «ما» نامیده و اعلام کردند که انقلاب ایران یک انقلاب اسلامی است. (ابراهیم، ۱۳۸۷: ۱۷۷)

۲. تلاش گسترده در جهت تبلیغ وهابیت و تربیت طلاب وهابی و اعزام آنها به کشورهای اسلامی. علما و روحانیان حاکم بر عربستان همگی در رابطه با تبلیغ و رواج وهابیت در داخل و خارج از کشور خود توافق دارند. رژیم آل سعود هم به واسطه درآمدهای نفت، پول‌های هنگفتی را در رابطه با رواج ایدئولوژی وهابیت که چهره‌ای محافظه‌کارانه از اسلام ارائه می‌نماید، هزینه کرده است. علما و روحانیان عربستان با ایده رام کردن پدیده‌های رادیکال سعی کرده‌اند با استفاده از اشاعه وهابیت به خنثی‌سازی اسلام ناب (محمدی) که توسط جمهوری اسلامی ایران ترویج می‌شود، بپردازند و در این راه نیز از حمایت دولت عربستان و غرب برخوردار بوده‌اند. (مصاحبه نویسندگان با طلاب سعودی، ۱۳۸۹)

۳. محدودیت تأسیس اماکن مذهبی و مدارس دینی شیعی در عربستان: حق شیعیان برای احداث مساجد یا رسیدگی به اماکن مذهبی و حسینیه‌ها به شدت محدود شده است. به عنوان مثال در صفوآ (شهری با بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت که اکثریت آن شیعه هستند) تنها ۳ یا ۴ حسینیه اجازه فعالیت دارند. افزون بر این در سال ۱۳۶۹ مقامات سعودی به تعطیلی «حوزه مبارزه»، مدرسه دینی که تا پیش از این تاریخ ۱۶ سال فعالیت می‌کرد، مبادرت ورزیده و برخی از مدرسان آن را بازداشت کردند. (بی‌نا، ۱۹۹۵: ۲۶)

۴. آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران: این جنگ تا اندازه زیادی توانست به تبلیغات ضد شیعی عربستان سعودی و دامن زدن به اختلافات شیعی - سنی و عرب - عجم از سوی حاکمان سعودی کمک کند. عربستان سعودی با تبلیغات گسترده علیه ایران و جلوه دادن ایران به عنوان دشمن مشترک تمامی اعراب توانست تا حد زیادی فشار علیه شیعیان عربستان را به عنوان حامیان یک کشور ضد عرب موجه و مشروع جلوه دهد. به عنوان مثال می‌توان از تشکیل کنفرانس سران عرب در طائف با حضور صدام حسین در ۱۳۵۸ و تشکیل شورای همکاری خلیج فارس بعد از اجلاس طائف به عنوان نشانه‌هایی از این نزدیکی یاد کرد (آقایی، ۱۳۶۸: ۲۰۹ - ۲۰۷)

۵. ترس: یکی از موانع مهم فرا روی پذیرش پیام‌های انقلاب اسلامی ایران، ترس بوده است. ترس از شکست، ترس از دولت و مراکز قدرت و نهایتاً ترس از مرگ. از دیدگاه حسن الصفار عالم برجسته شیعی در عربستان سعودی، «این ترس گسترده است که روح و جان شیعیان را خسته و فرسوده می‌سازد و مانع

می‌شود که انرژی و توان مردم [بخوانید انقلاب] رها شود و این ترس به مستبدین اجازه داده است که به سیاست سرکوب خود ادامه دهند و به استعمار توده‌ها بپردازند». (ابراهیم، ۱۳۸۷: ۱۵۸)

۶. طرح مسائل اختلاف‌انگیز بین شیعه و سنی.

۷. نگارش دانشنامه، انتشار صدها کتاب و صدور ده‌ها فتوا در اثبات شرک شیعه. در سال ۱۳۷۰ یک عالم رده بالای سعودی به نام بن جبرین با صدور فتوایی دوباره بر کافر بودن شیعیان تأکید کرد. براساس چنین حکمی کشتن آنان [شیعیان] از جهت فقهی نامشروع نخواهد بود. (همان: ۳۵۹)

۸. کشتار حاجیان ایرانی در مراسم حج سال ۱۳۶۵ و برخوردهای نظامی دولت سعودی با شیعیان معترض: پس از کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۵ روابط ایران و عربستان سعودی هر چه بیشتر به تیرگی گرایید و اوضاع سیاسی در استان شرقی نیز سخت دچار تنش و بحران شد. برخورد مسلحانه بین ۴ نفر از اعضای حزب‌الله و نیروهای امنیتی سعودی در ساختمانی در شهر قطیف در تابستان ۱۳۶۶ نیز اتفاق افتاد که هر چهار نفر دستگیر شدند و در نهایت در ملأ عام در شهر قطیف اعدام شدند. (همان: ۱۹۱ و ۱۹۲)

۹. سعی در جایگزینی ایران به جای رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن درجه اول اعراب.

۱۰. تقویت طالبانیسم و تشکیل اعراب افغانی و سوق دادن شور انقلابی نو وهابی‌ها به مبارزه با شوروی سابق.

۱۱. دخالت نظامی در بحرین به دنبال قیام مردم (شیعیان) بحرین.

۱۲. نداشتن مرز خاکی مشترک با ایران: این عامل نیز می‌تواند از سرعت پخش همسایگی بکاهد و به عنوان یک مانع در این زمینه عمل کند. اما از سوی دیگر با حاکمیت دولت شیعی در عراق می‌توان در درازمدت انتظار داشت که عراق به عنوان مرکز پخش ثانویه بتواند در نفوذ انقلاب اسلامی ایران در عربستان عمل کند.

نتیجه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ شمسی، ایران و انقلاب اسلامی ایران با شعارها و گفتمان‌هایی نظیر تلاش در جهت برقراری حکومت جهانی اسلام، نفی سلطه و سلطه‌جویی، حمایت از مستضعفان و نهضت‌های آزادی‌بخش، تبلیغ اسلام و دعوت به مذهب شیعه، کانون پخش و تراوش در منطقه شد و چنان تأثیرات قوی در منطقه داشت که کسانی هم که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند تحت تأثیر آن قرار گرفتند. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی فرآیندی دائمی و پایدار بوده است. به این معنا که فرآیند تأثیرگذاری انقلاب اسلامی با پیروزی این انقلاب آغاز گشت و همچنان نیز ادامه دارد. البته این بدان معنا نیست که در تمامی دورانی که از حیات انقلاب اسلامی می‌گذرد این فرآیند با یک سرعت و شدت صورت گرفته بلکه در این دوران ما شاهد فراز و نشیب‌هایی در این تأثیرگذاری بوده‌ایم. در واقع با توجه به شرایط حاکم بر مبدأ پخش (ایران) و مقصد پخش (در این مقاله عربستان)، در برخی دوره‌ها شدت و

سرعت تأثیرگذاری انقلاب اسلامی افزایش یافته است و در برخی دوره‌ها شاهد کاهش شدت و سرعت تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بوده‌ایم.

کشور عربستان به دلایل مذهبی، سیاسی، ژئوپلیتیک، اقتصادی و جغرافیایی همواره از جایگاه ویژه و برجسته‌ای در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام برخوردار بوده است. از سوی دیگر شرایط حاکم بر این کشور آن را به یک محیط پذیرا برای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر این کشور تبدیل کرده است. البته در مقابل این تأثیرگذاری موانع متعددی نیز وجود داشته است که شدت و سرعت تأثیرگذاری را با مشکل مواجه ساخته است. با توجه به این شرایط، جمهوری اسلامی از مسیرهای متعددی امکان تأثیرگذاری بر جامعه عربستان، به‌ویژه شیعیان این کشور را داشته است. از جمله این مسیرها می‌توان به مواردی چون راهپیمایی برائت از مشرکان در مراسم حج و پیام‌های امام خمینی علیه السلام به این منظور، راه‌اندازی دفتر جبهه آزادی‌بخش شبه‌جزیره عربستان در تهران، انتقاد مقامات جمهوری اسلامی از رهبران سعودی و روش کلی آنها در قبال مسائل منطقه و جهان اسلام و ارتباط نزدیک با آمریکا، اجازه ورود به اتباع شیعه عربستان به ایران برای تحصیل در حوزه علمیه قم، در اختیار گذاردن بخش عربی صدای تهران به جنبش طلایه‌داران رسالت، مراسم‌های سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دعوت از میهمانان خارجی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، صدور فتوای امام خمینی علیه السلام علیه سلمان رشدی مرتد، مساجد و حسینیه‌ها در عربستان، سخنرانی‌های علمای شیعی در حمایت از انقلاب اسلامی، پذیرش دیدگاه شیعه در باب نفی حکومت ظالمانه از سوی گروه‌هایی از اهل سنت و غیره اشاره نمود.

البته همان‌گونه که اشاره شد در برابر این مسیرها موانع اساسی هم وجود دارد که این تأثیرپذیری را با چالش مواجه کرده است که از آن جمله‌اند:

۱. شکاف عربی - عجمی (فارسی - عربی) و شکاف سنی - شیعی؛
 ۲. تلاش گسترده در جهت تبلیغ وهابیت و اعزام طلاب وهابی به کشورهای اسلامی؛
 ۳. طرح مسائل اختلاف‌انگیز بین شیعه و سنی؛
 ۴. محدودیت در تأسیس اماکن مذهبی و مدارس دینی؛
 ۵. نگارش دانشنامه و صدها کتاب و صدور ده‌ها فتوا در اثبات شرک شیعه.
- علی‌رغم وجود این موانع و موانع دیگری که در متن مقاله بدان‌ها پرداخته شده انقلاب اسلامی در عربستان بازتاب وسیعی داشته و در طی سه دهه علی‌رغم سلیقه‌های سیاسی متفاوت در میان دولت‌مردان ایران که در صفحات پیشین بدان اشاره شد، موج بیداری متأثر از تأثیر انقلاب اسلامی در عربستان ادامه یافته و اکنون به دلیل ویژگی خاص زمانی و منطقه‌ای و به خصوص ویژگی دولت جمهوری اسلامی از حیث ثبات و اقتدار و کارآمدی و احیای شعارهای اصیل انقلاب اسلامی حیات جدیدی پیدا کرده است.

منابع و مأخذ

۱. آشتی، نصرت‌الله، ۱۳۶۶، «ساختار حکومت عربستان»، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۲. آقایی، داوود، ۱۳۶۸، «سیاست و حکومت در عربستان سعودی»، تهران، نشر کتاب سیاسی وابسته به مؤسسه خدمات فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳. ابراهیم، فؤاد، ۱۳۷۸، عربستان سعودی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۷۳، «مروری بر روابط ایران و عربستان در دهه اخیر»، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۵. برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۱، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۸.
۶. _____، ۱۳۹۱، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، در کتاب نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۷. بی‌نا، ۱۹۹۵، «الشیعة فی المملكة العربیة السعودیة عن الماضي، الحاضر والمستقبل»، لندن، بی‌نا.
۸. حسینی، سیدمحمدصادق، ۱۳۶۵، مصاحبه با طلاب سعودی، قم، بی‌نا.
۹. دکمجان، هریر، ۱۳۷۷، اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، سازمان انتشارات کیهان.
۱۰. رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۷۶، تضاد و توسعه، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. شقاقی، فتحی، ۱۳۷۵، جهاد اسلامی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات.
۱۲. شکویی، حسین، ۱۳۶۴، جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۳. _____، ۱۳۷۷، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران، گیتاشناسی، چ نهم.
۱۴. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۷۸، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، قم، واحد تدوین کتب درسی.
۱۵. عظیمی، رقیه‌السادات، ۱۳۷۴، عربستان سعودی (کتاب سبز)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۱۶. فولر، گراهام و فرانکه رند رحیم، ۱۳۸۴، شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، تهران، مؤسسه شیعه‌شناسی.
۱۷. فولر، گراهام، ۱۳۷۳، قبله عالم ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
۱۸. متقی‌زاده، زینب، ۱۳۸۴، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس، تهران، مؤسسه شیعه‌شناسی.
۱۹. مختارزاده، محمدباقر، ۱۳۸۱، «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار ۸۱.

۲۰. نجاتی، حمزه، ۱۳۹۰، «تأثیر انقلاب اسلامی بر عربستان سعودی»:

<http://rasekhoon.net/article/show-9067.aspx>.

۲۱. نوری، عبدالله، ۱۳۷۸، شوکران اصلاح، تهران، طرح نو.

22. Bradley, John R., 2005, "Saudi Arabia Exposed: Inside a Kingdom in Crisis", *Palgrave Macmillan*, London.
23. EIA (International Energy Statistics) 2011:
www.eia.gov/cfapps/ipdbproject/IEDIndex3.cfm.
24. Faisal bin Salman al-Saud, 2004, "Iran, Saudi Arabia and the Gulf: Power Politics in Transition", *I. B. Tauris*, London.
25. Lacey, Robert 2009, "Inside the Kingdom: Kings, Clerics, Modernists, Terrorists, and the Struggle for Saudi Arabia"; *Penguin Books*, USA.
26. Lehr Wagner, Heather, 2008, "Saudi Arabia", *Chelsea House Publications*, USA.
27. Palloni, Alberto 2007, "Theories and Models of Diffusion in Sociology"; *Center for Demography and Ecology University of Wisconsin*, USA.
28. Wright, robin, 2000, "The last great revolution: Turmoil and Transformation in Iran"; *Knopf*, New York.

